

مرمت پنهان در معماری ایران

پیروز حناچی

عضو هیأت علمی دانشکده هنرهای زیبا - گروه آموزشی معماری

مقدمه

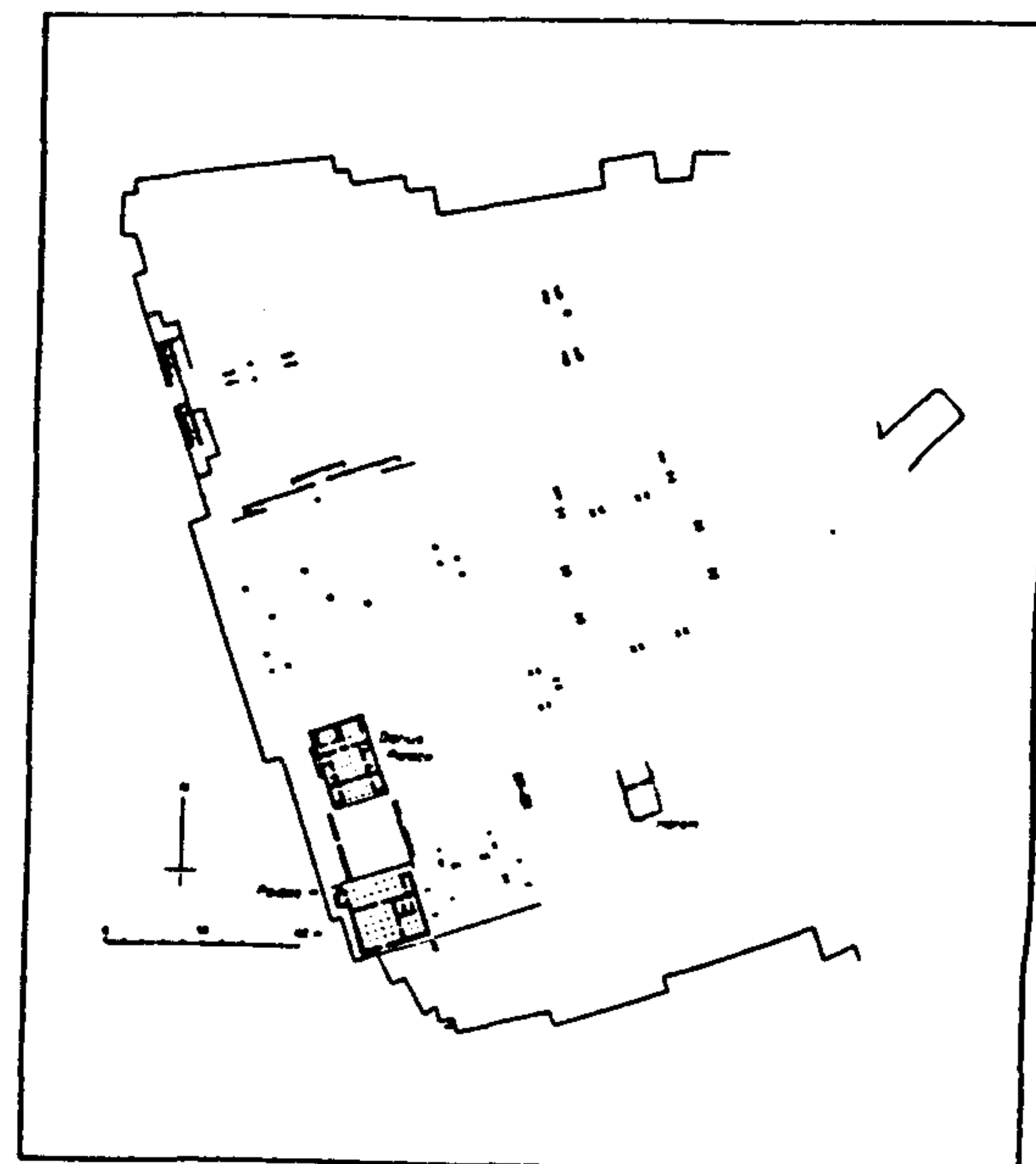
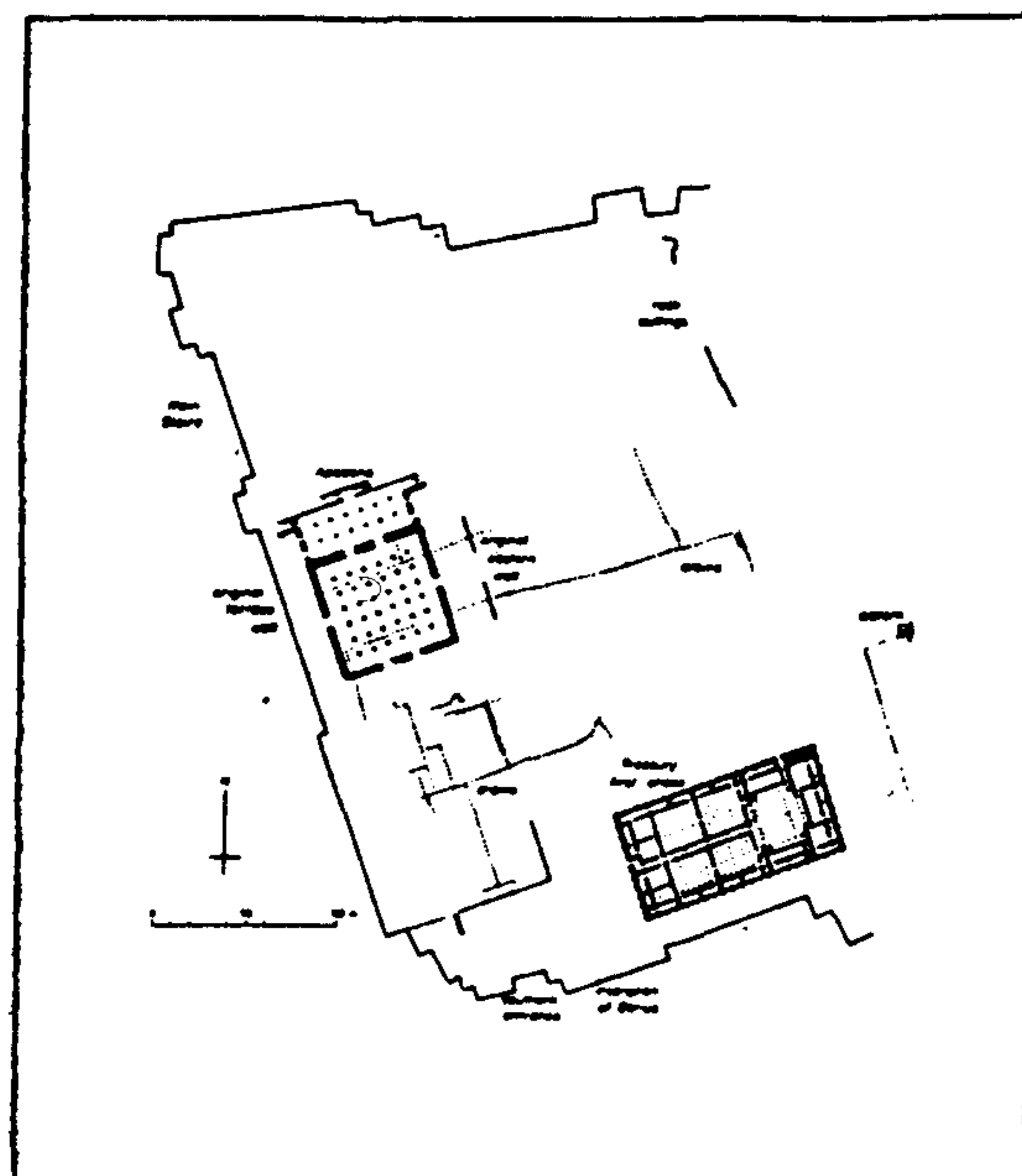
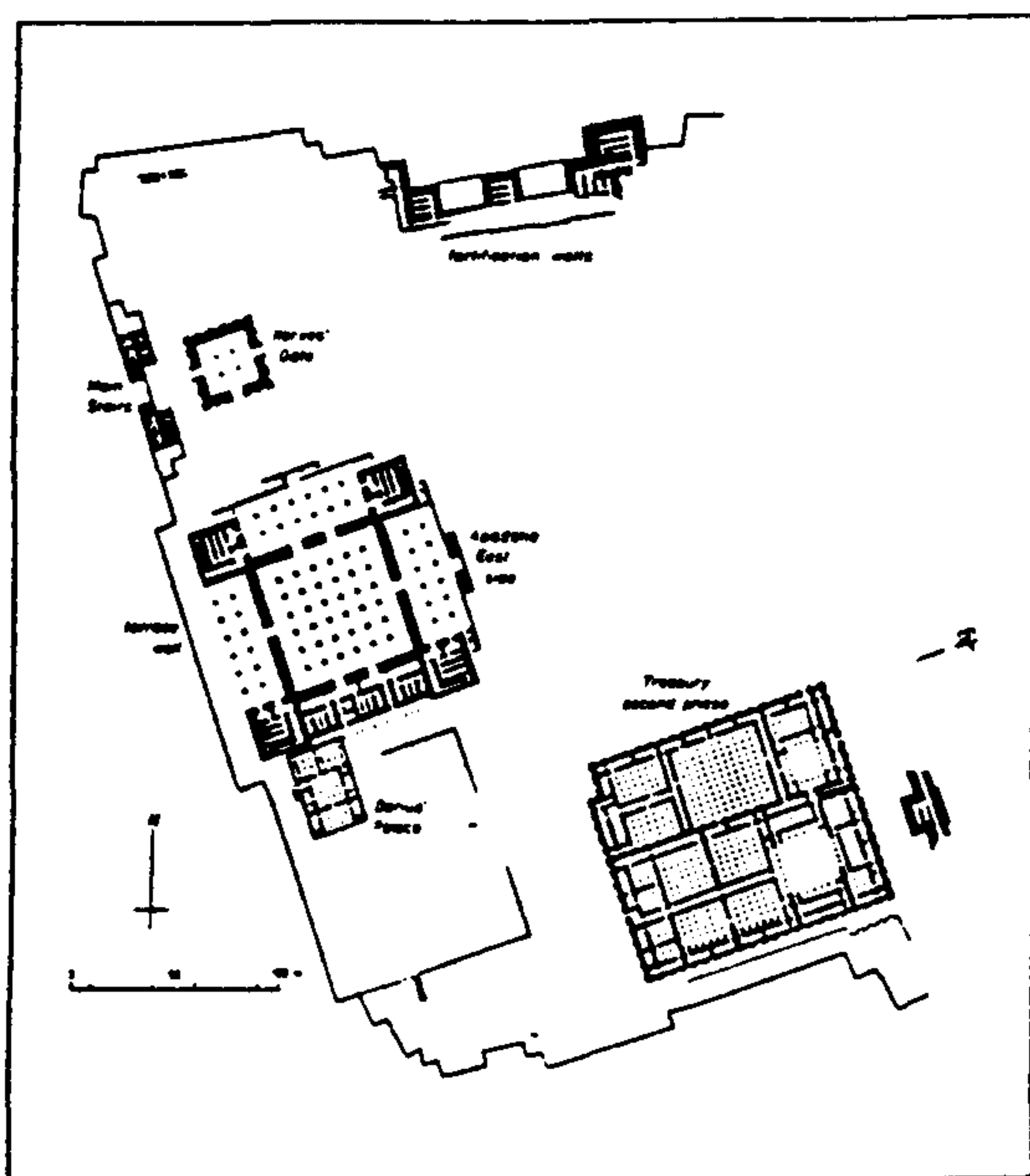
مقاله حاضر با انگیزه بررسی تجارب مرمت تهیه و تنظیم شده است. بدین منظور پنج بنای تاریخی از پنج دوره معماری ایران انتخاب و براساس توالی تاریخی و شیوه احداث بنا، در شماره‌های آینده، به طور جداگانه بر روی آن بحث خواهد شد.

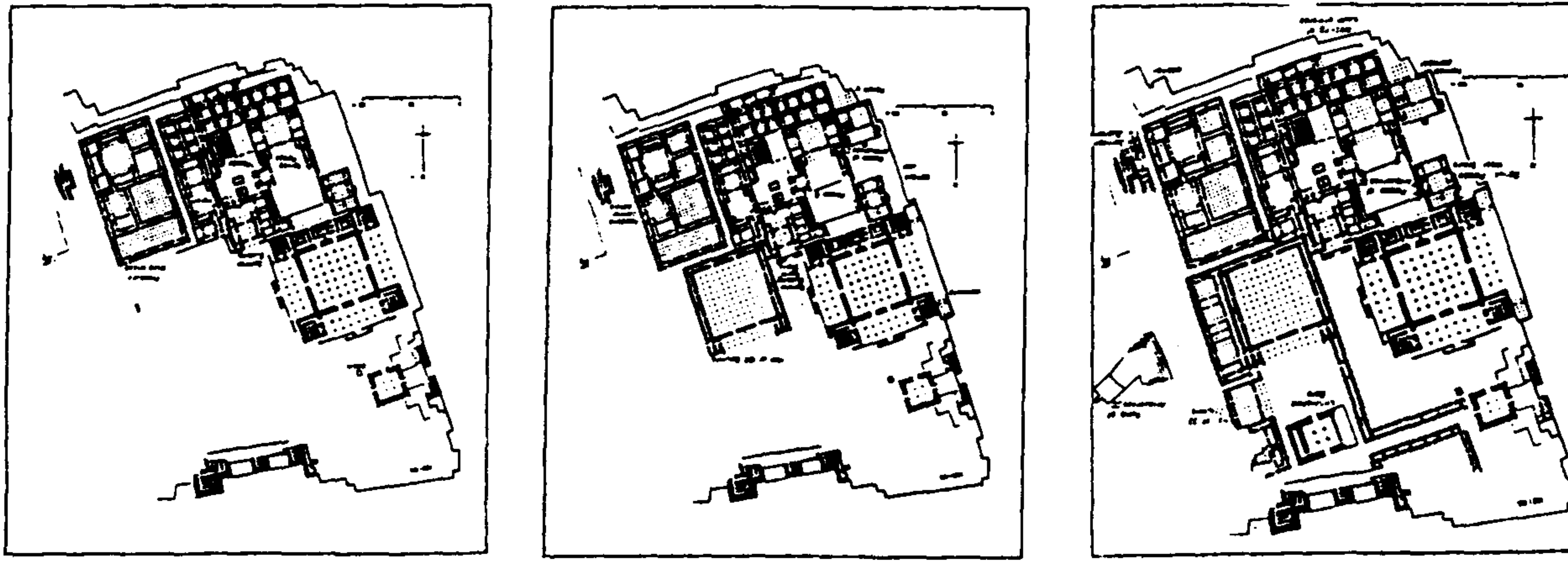
هر یک از پنج بنای تاریخی انتخاب شده به دلایل متفاوت به عنوان یکی از عناصر شاخص در هر یک از دوره‌های تاریخی معماری ایران مورد بحث است. البته گسترش دامنه بحث بر روی هر کدام از این ابنیه وقت و فرصت بسیار می‌خواهد، چراکه پرداختن به هر یک از این آثار مستلزم مدت‌ها وقت برای باستانشناسی و بررسی آسیب‌شناسی و شیوه‌های مرمتی بناست.

در این مقاله قصد آن داریم تا به نظریه‌ای پیرامون «پیدایش اندیشه‌های مرمتی در ایران» پردازیم و عنوان نمائیم که اندیشه مرمت، با هنر و معماری ایران از دیرباز عجین بوده و خیلی پیش از آن که در سایر ملل به آن توجه شود در آثار تاریخی ایران و در شیوه کار معماران ایرانی بارها مشاهده شده است.

تخت جمشید در طی ۲۰۰ سال و در پنج دوره، مسجد جامع اصفهان در طی ۱۲۰۰ سال و عالی‌قاپو در طی یکصدسال و در شش دوره به وضع تکمیلی خود رسیده‌اند. بسیاری از آثار تاریخی دیگر نیز در همین زمینه قابل بحث هستند، لیکن به علت آن که عملیات باستانشناسی به اندازه کافی بر روی آنها صورت نگرفته است فعلاً به آنها نمی‌پردازیم؛ که از این قبیل آثار می‌توان به مسجد جامع قزوین و... اشاره نمود.

معماران ایرانی در قبل و بعد از اسلام شیوه‌ای واحد را در معماری و هنر دنبال کرده‌اند. تفاوت اصلی و اساسی در این دو دوره، تأثیر عوامل شکل دهنده معماری بوده است. در هیچ دوره‌ای از ادوار تاریخ هنر ایران، هنرمندان ایرانی تجربیات قبلی را به بوتۀ فراموشی



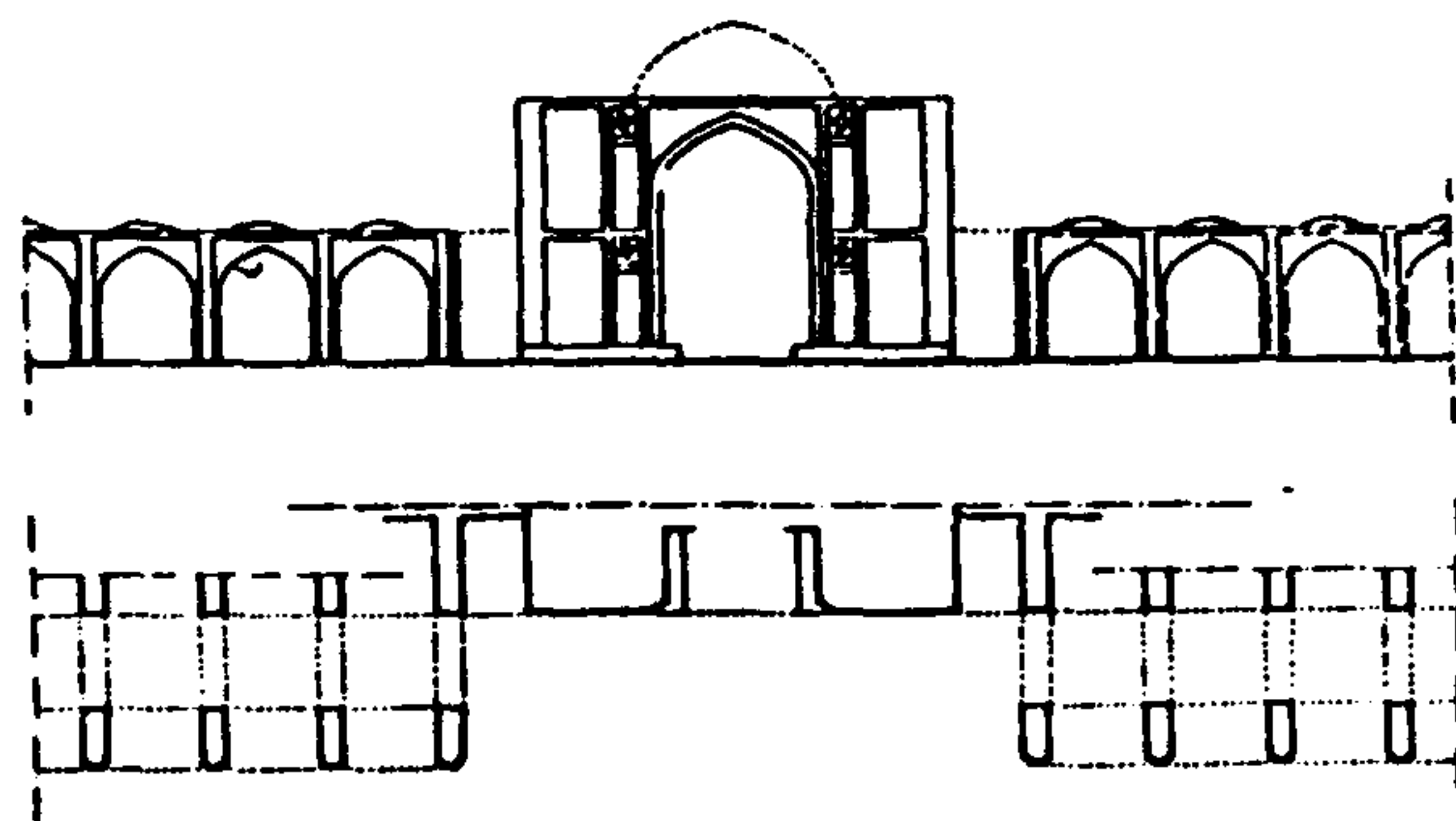
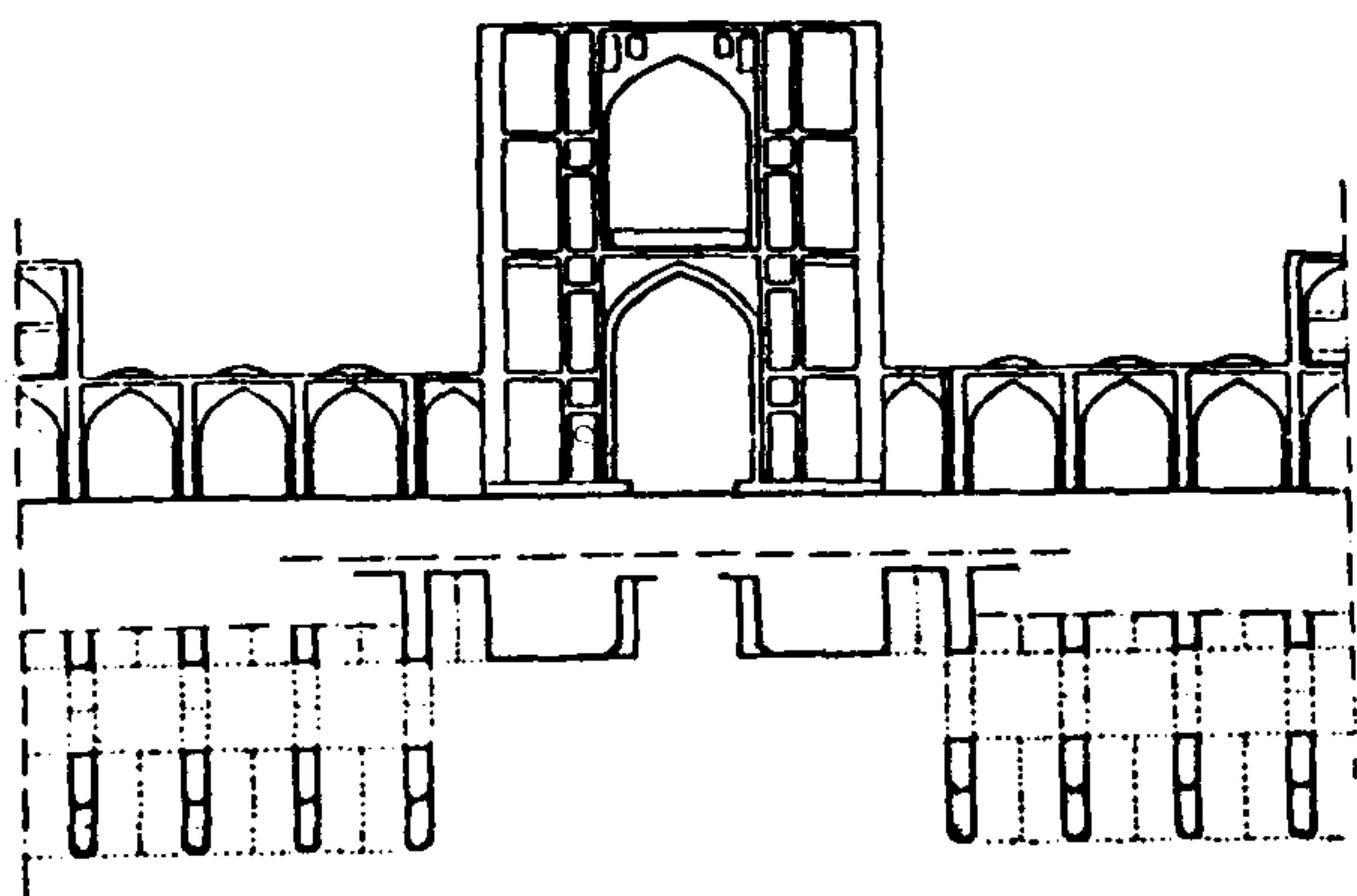
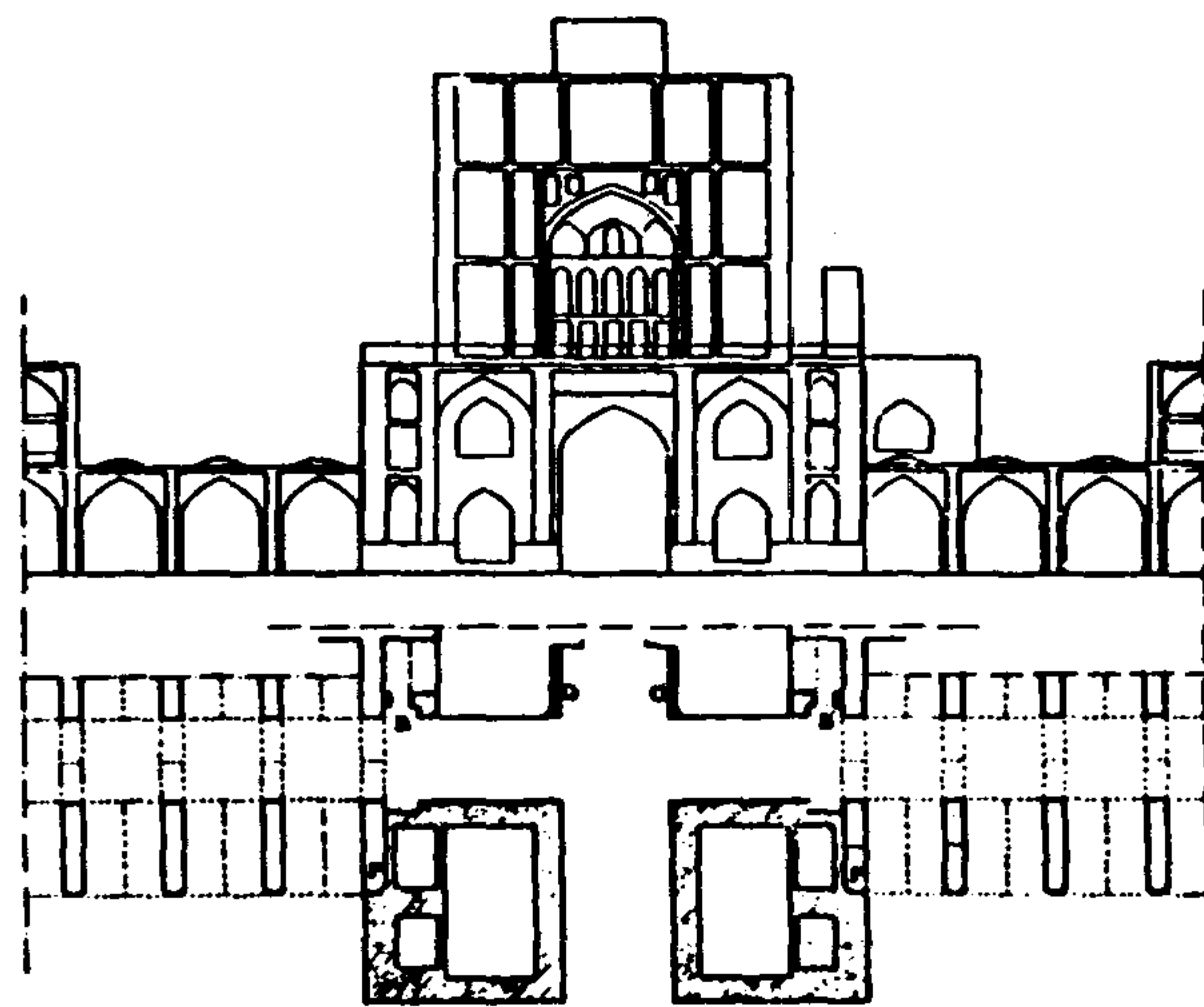
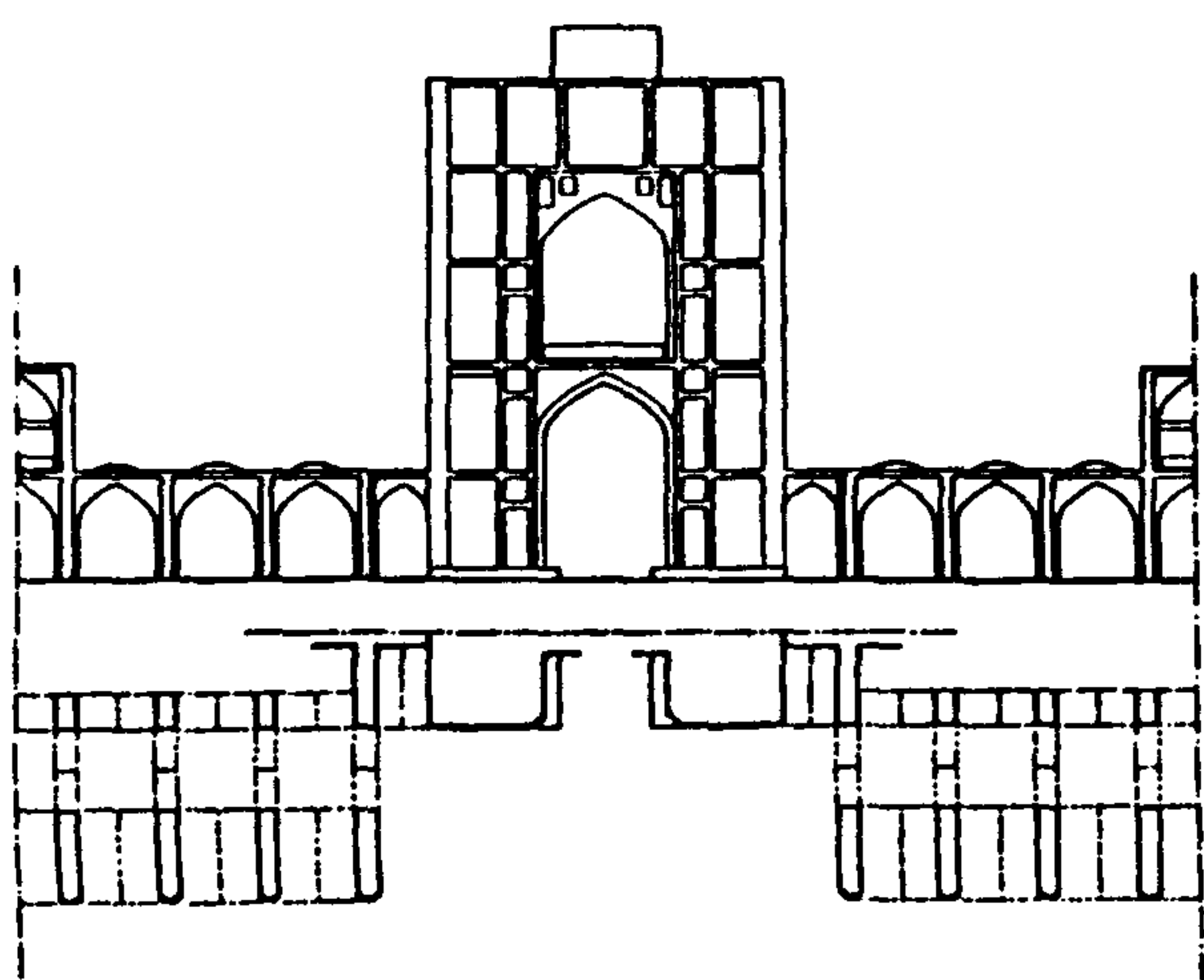


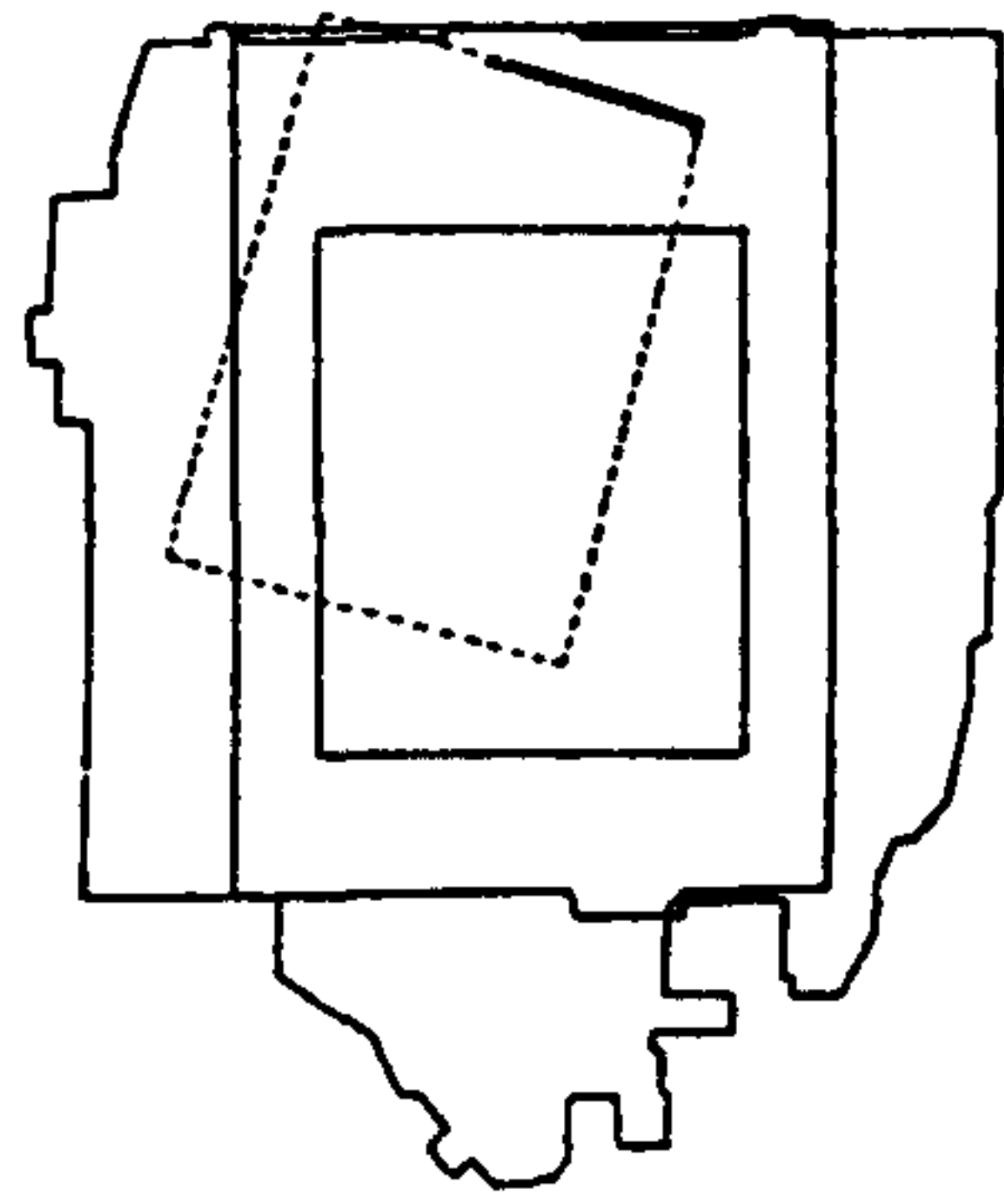
نسپرده‌اند و حتی در مواردی که استحاله‌ای در فرهنگ و اعتقادات صورت گرفته است، هنر قبلی به صورتی دیگر باروحی جداگانه بروز کرده است. فرضاً هنر نقش برجسته هخامنشی و ساسانی بعد از اسلام به علت حرمت پیکرتراشی و نقش برجسته انسان، در خط برجسته کوفی یا نقشهای کاشی معرق و یا نقوش اسلیمی رخ نموده است. بنا به گفته ویل دورانت: «هیچ چیز در تاریخ گم نمی‌شود و دیر یا زود فرصت تکرار و تحول می‌یابد و رنگ و شرایط خود را به زندگی باز می‌کند»^۱.

در همین زمینه نهر و می‌گوید: «فرهنگ و تمدن ایرانی از دو هزار سال پیش ادامه داشته و دارد. هنر ایران سنن درخشان و نمایانی دارد و این سنتها از بیش از دو هزار سال بعد از زمان آشوریه تاکنون ادامه یافته است. در ایران، در حکومتها و سلسله‌ها و مذاهب تغییراتی رخ داده است که تسلط بیگانگان را موجب شده و بسیاری از مسایل دیگرگون شده است معهدا سنن ایران همچنان مداومت داشته است».

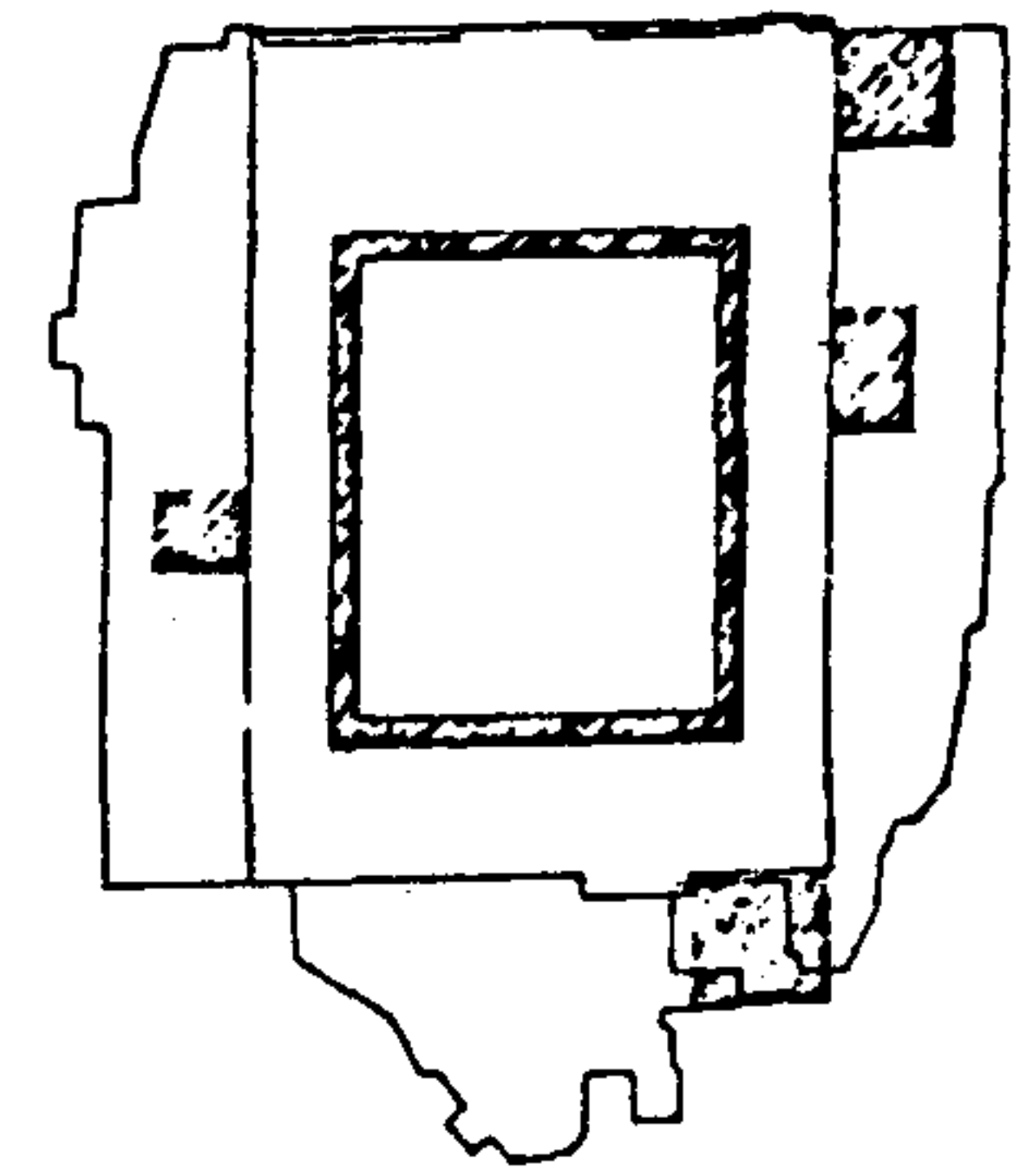
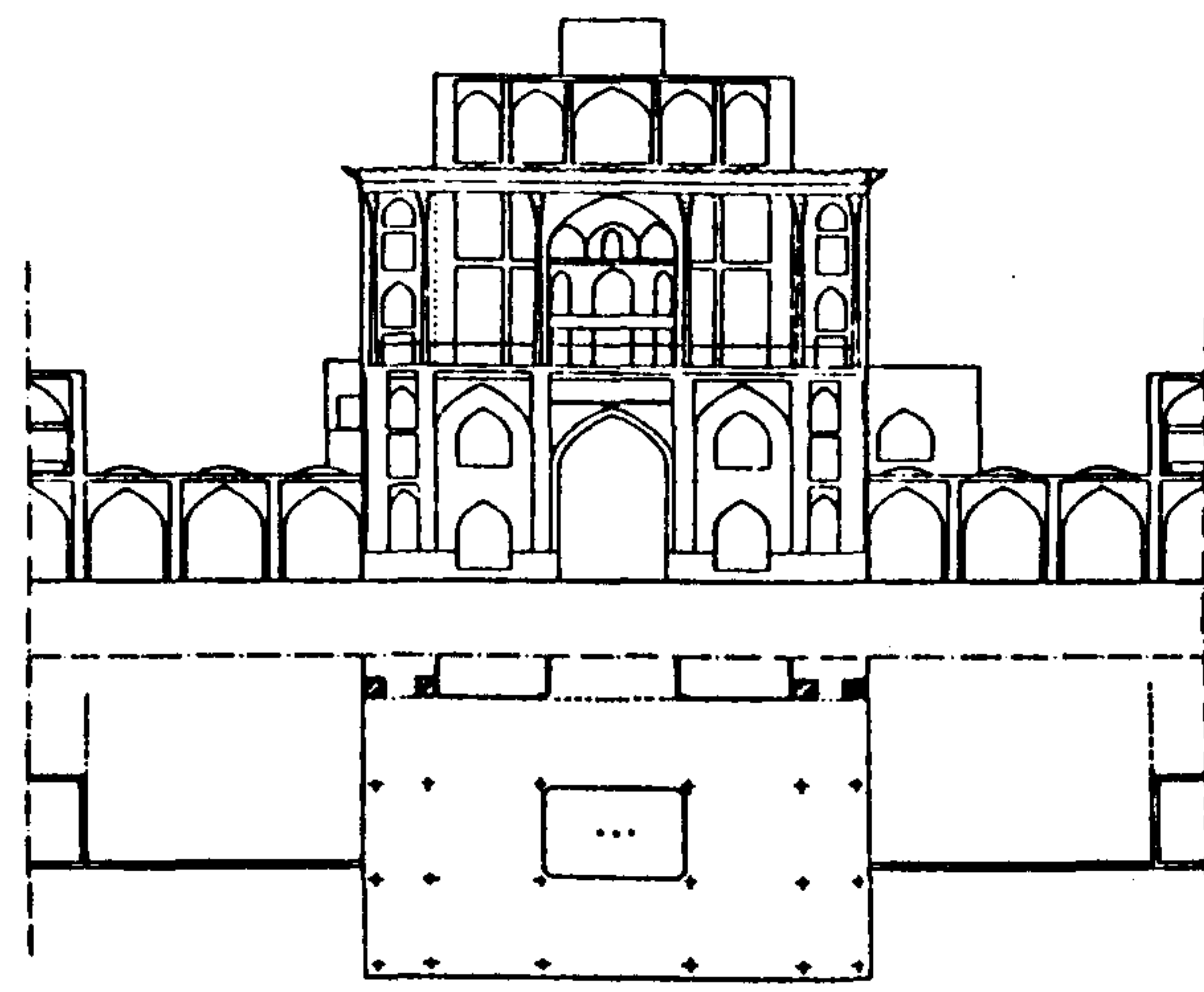
باز نهر و می‌گوید: «ارتش اسلام در حالی که به سوی آسیای مرکزی و شمال آفریقا پیش می‌رفت و نه فقط مذهب تازه را، بلکه تمدن جوان و در حال رشد را با خود می‌برد. سوریه، بین‌النهرین و مصر همه در فرهنگ عربی اسلامی جذب شده و تحلیل رفتند و زبان عربی زبان عادی آنان شد و از نظر نژادی با اعراب به هم آمیخته و شبیه شدند. بغداد، دمشق و قاهره مراکز بزرگ فرهنگ اسلامی شدند و هر چند ایران شبیه اعراب نشد و در ملیت عربی تحلیل نرفت لیکن تمدن اسلامی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر آن داشت. اسلام در ایران، مانند هند حیات تازه‌ای برای فعالیت هنری ایجاد نموده و در اصل هنر و فرهنگ اسلامی تحت نفوذ ایران واقع شد»^۲.

در این خصوص بحثهای فراوانی صورت گرفته است. عده‌ای استفاده از گنبد و عناصر مشترک بین عهد ساسانی و ادوار اسلامی را دلیل بر تقلید معماران عهد اسلامی دانسته و





کرکی شماره یک

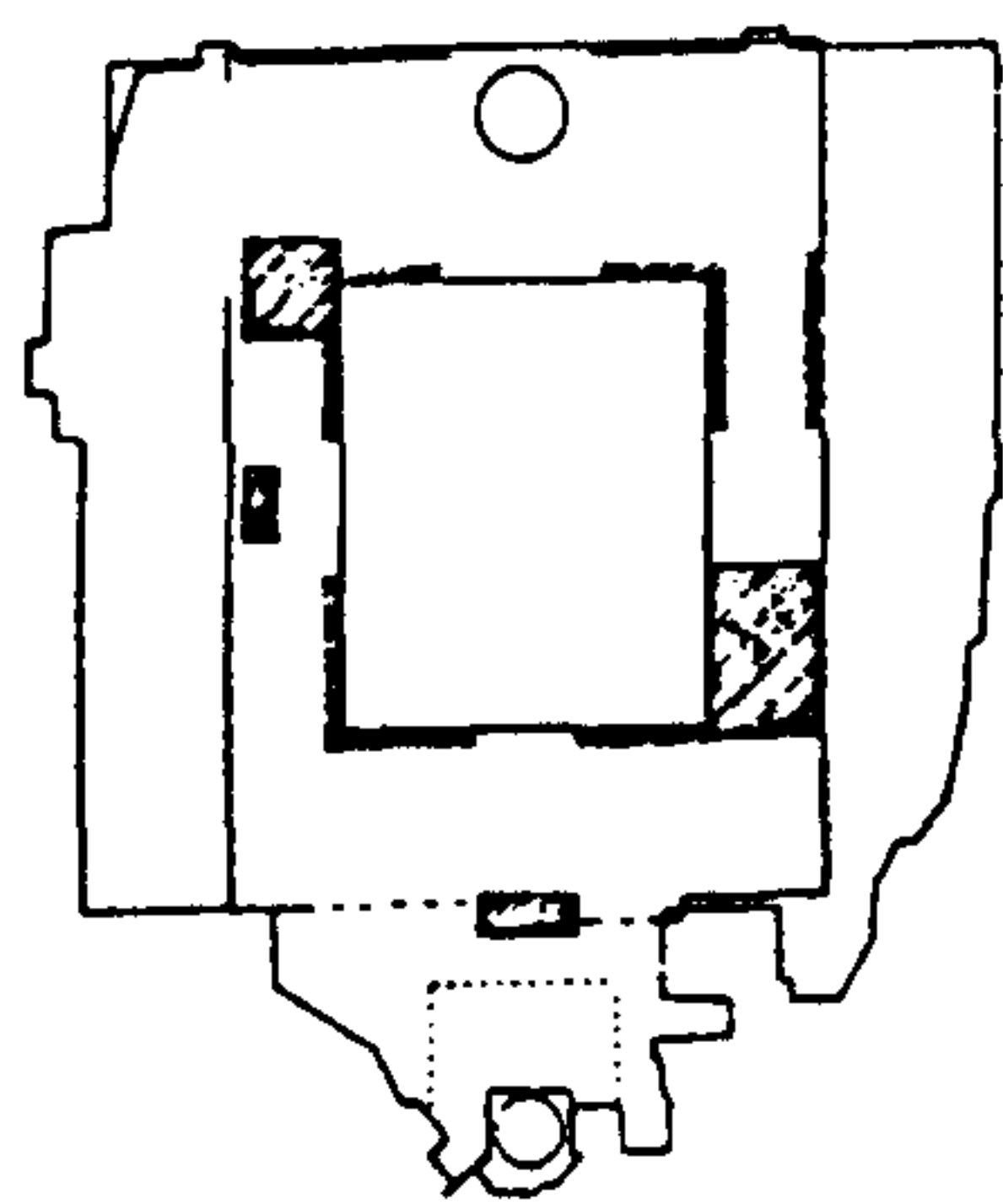


کرکی شماره دو مسجد در دوران آل بویه بعد از گسترش و الحاقات

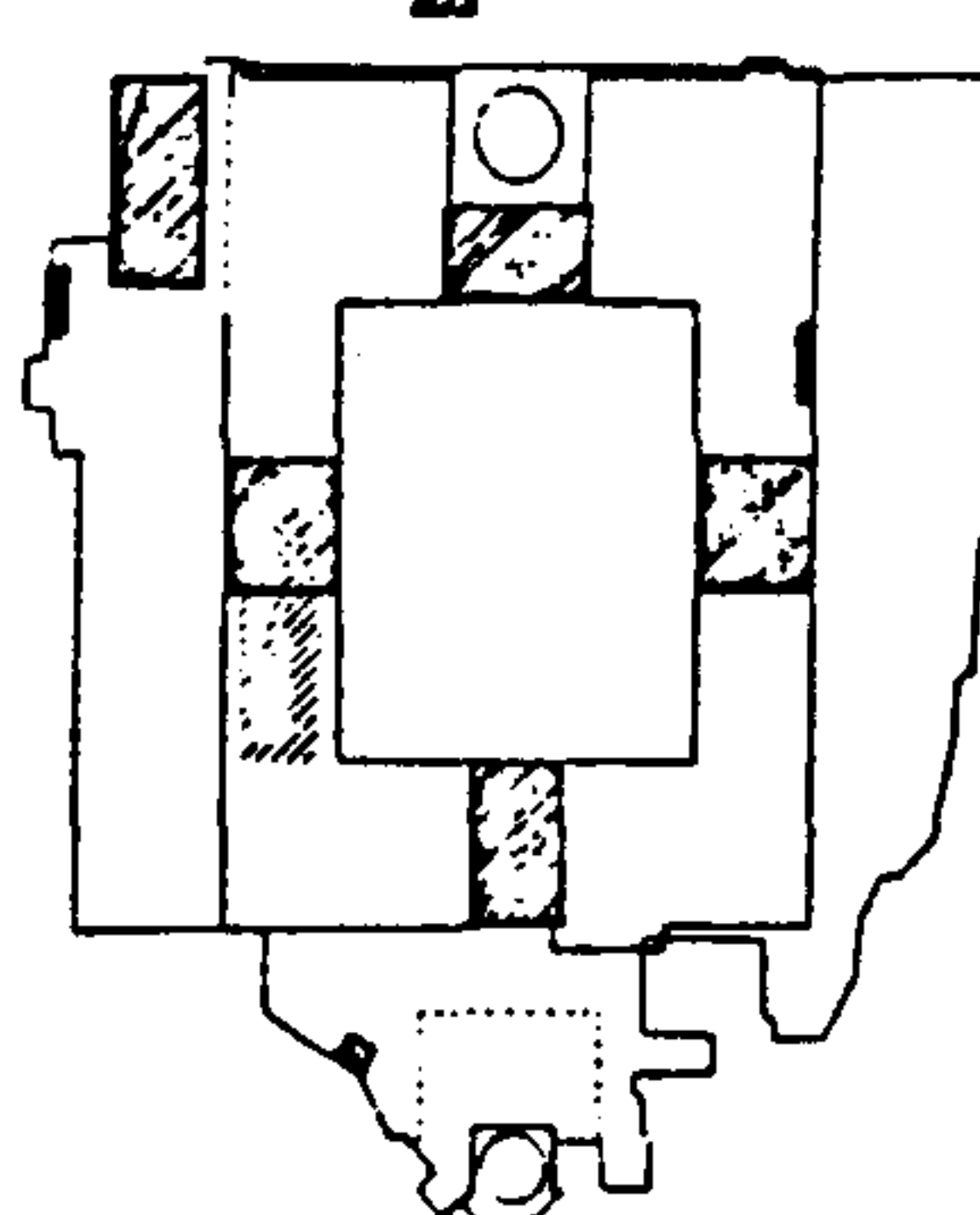
مرحله دوره عباسی قرن ۸ - ۹ میلادی - موقعیت مسجد اولیه به صورت نقطه چین مشخص است

بدین وسیله سعی در تخطئه هنر متأثر از روح اسلامی داشته‌اند و عده زیادی از مستشرقین بر این باور پافشاری عجیبی دارند که معمار عهد اسلامی مقلد ادوار قبلی بوده و هنر جدیدی ارائه نکرده است. متقابلاً عده‌ای تأثیر هر گونه عناصر متعلق به معماری قبل از اسلام را در ایران بعد از اسلام مردود دانسته، اعتقاد دارند این دو معماری هیچ ارتباطی با هم ندارند و حتی در تناسبات، مصالح و.. تفاوت اساسی با هم دارند. لیکن اگر معماری را زبان و بیانی برای هنر و عواطف انسانی بدانیم می‌توان گفت یک زبان از بین نمی‌رود بلکه تغییر و تکامل می‌یابد. در بحث بعدی خواهیم دید که معماران ایرانی در پیش و بعد از اسلام از یک اصول کلی تبعیت کرده‌اند، و علت تداوم روش، اصالت ایرانی است به این معنی که این ملت وقتی حقانیت اسلام را می‌بیند با علاقه تمام آن را می‌پذیرد و در راه حفظ و اعتلای آن از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کند و سخن ویل دورانت در اینجا مصداق بیشتری پیدا می‌کند که تجارب در تاریخ مفقود نمی‌شوند بلکه فرصت تغییر و تحول یافته و چند و چون خود را بالاخره به زندگی بشر تحمیل می‌کنند. به همین دلیل است که گنبد عهد ساسانی، در دوره سلجوقی، با تغییراتی در تزیین و نسبت اجزاء آن با همان شیوه ساخت باز پیدا می‌شود. در تاریخ معماری ایران هیچگاه به تجارب ادوار قبل بی‌اعتنایی نشده و هر گاه احتیاج به توسعه و تعمیر و مرمت بوده با حفظ روح مجموعه و با کمال دقت عناصر جدید در آن وارد شده است. حتی هنگامی که عنصری حذف و عنصر جدیدی جایگزین شده، حفظ کلیت بنا مورد نظر بوده است.

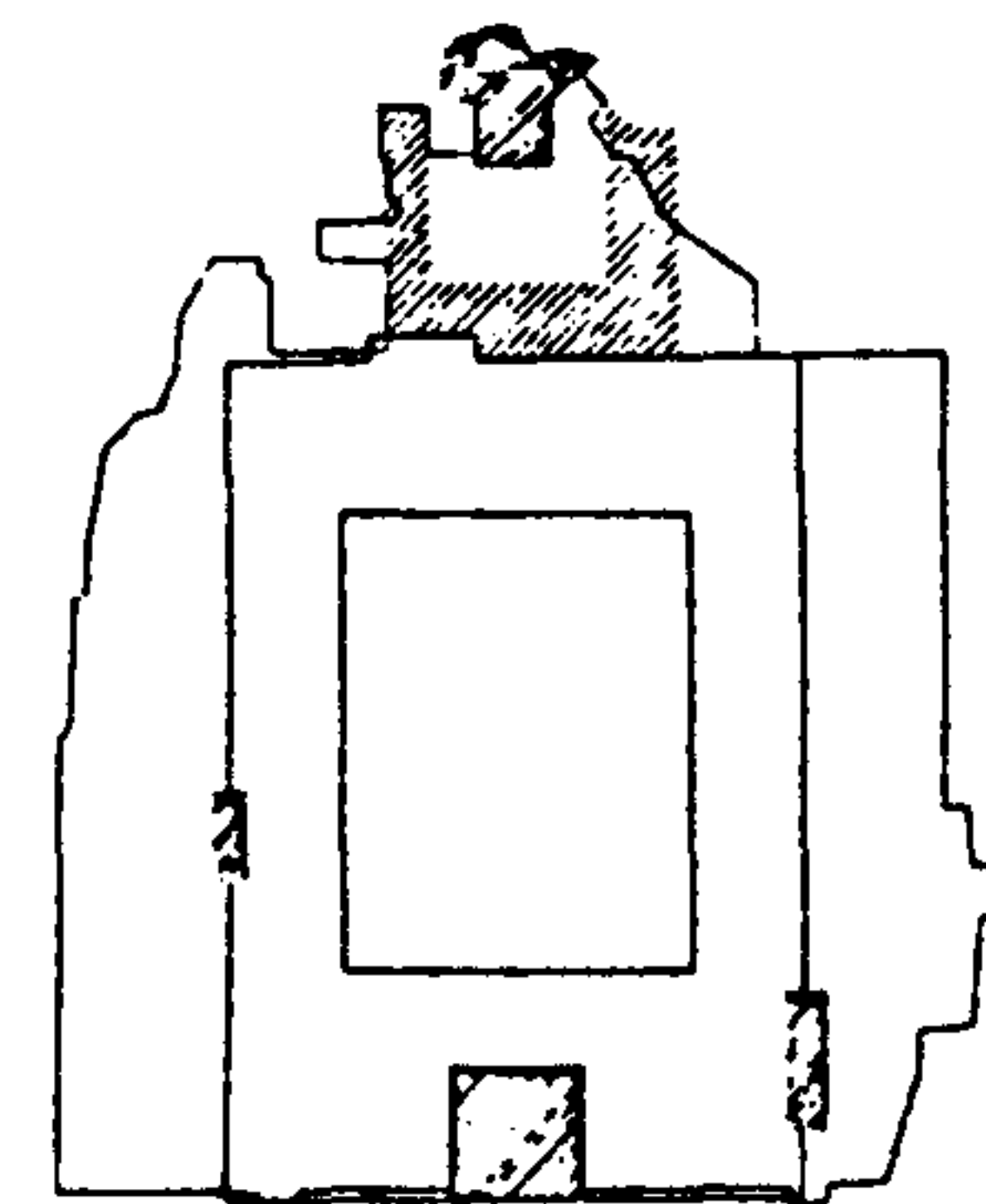
در بخش بعدی به آشنایی با خصوصیات و دوره‌های مختلف شکل‌گیری این آثار، و به شرح مختصری در خصوص عملیات مرمتی انجام شده بر اساس منشورهای بین‌المللی خواهیم پرداخت.



کرکی شماره پنج تغییرات مربوط به دوره ایلخانی



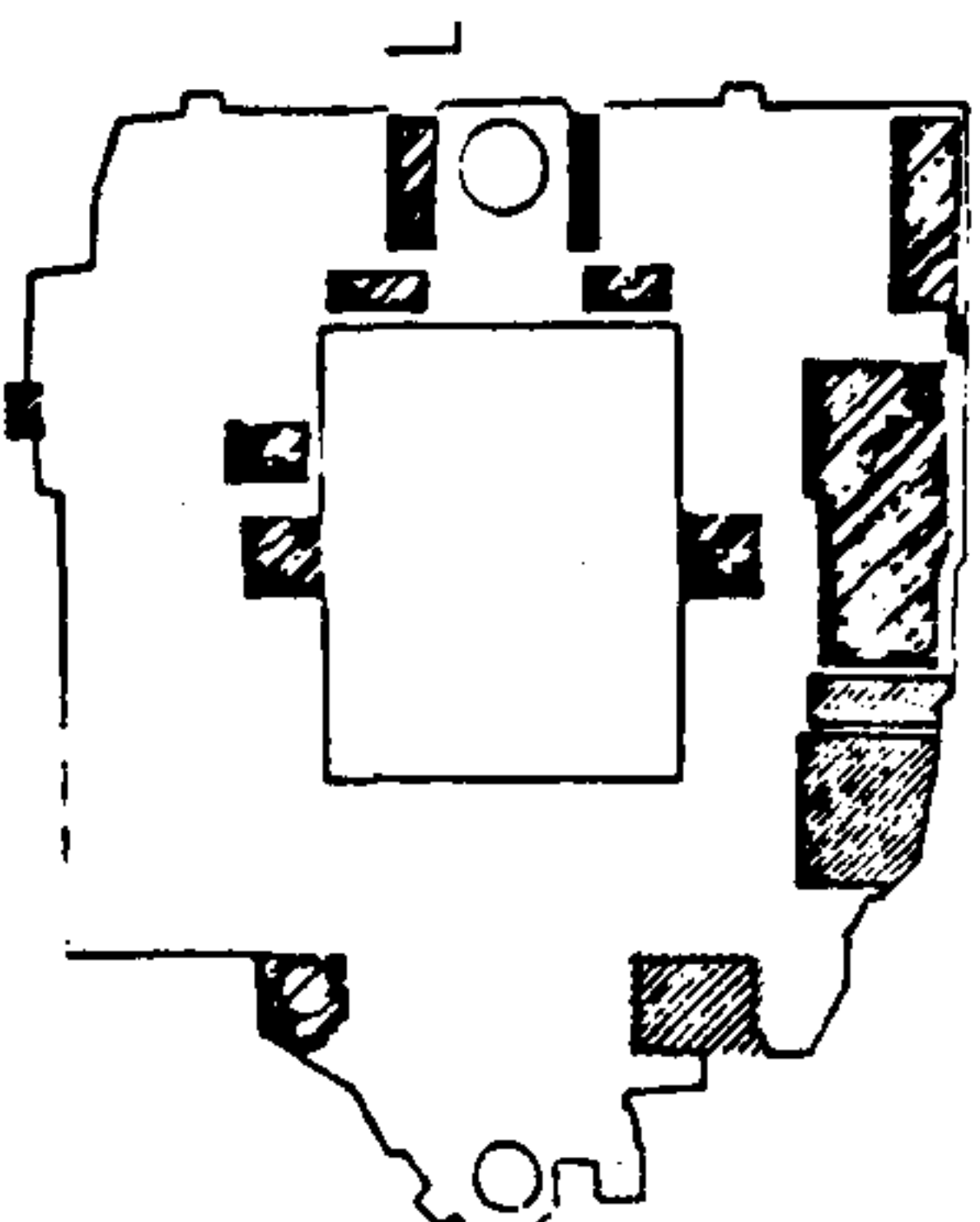
کرکی شماره چهار احداث چهار ایوان در اطراف صحن و احتمالاً در زمان سلطان سنجر



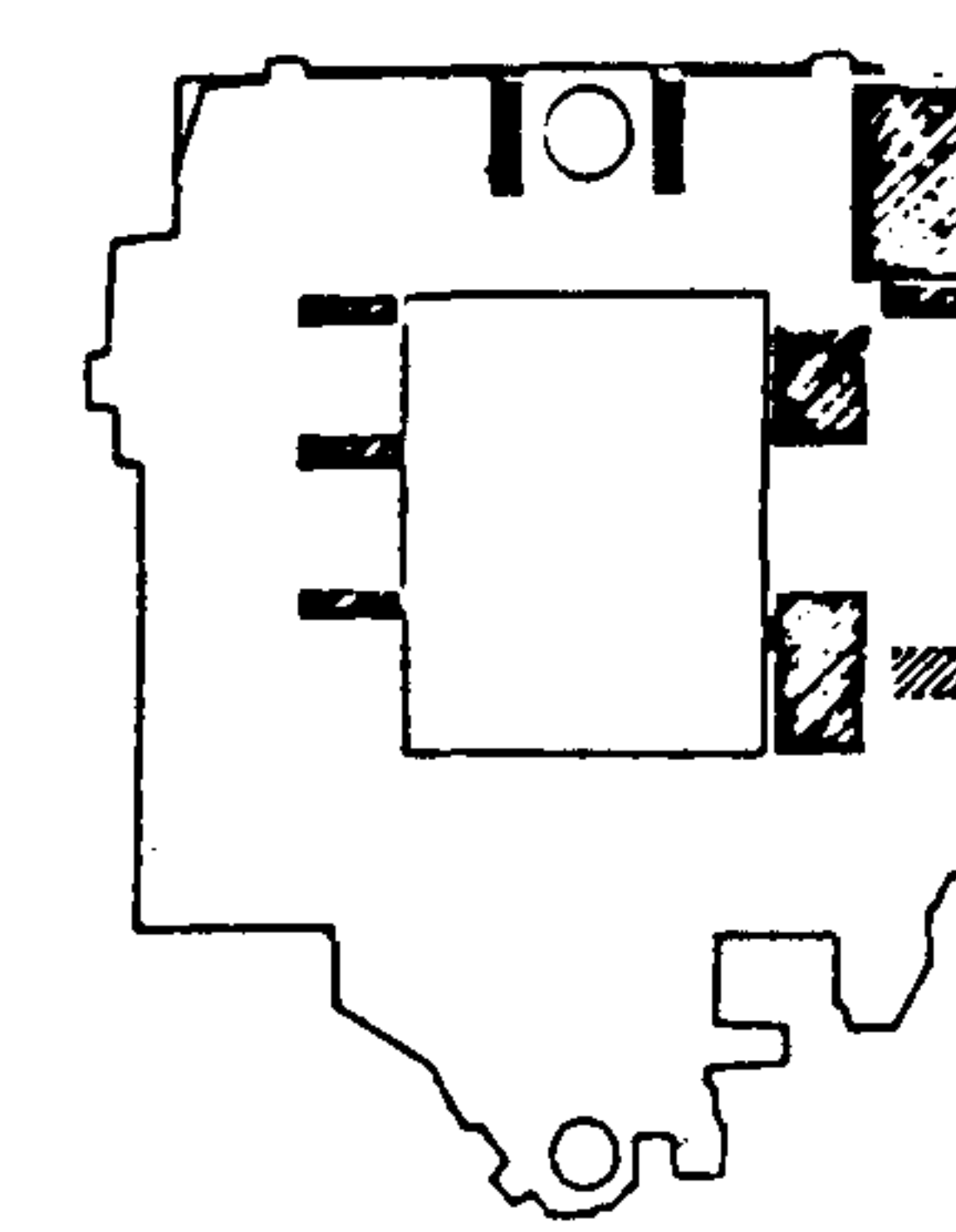
کرکی شماره سه - مرحله اول دوره سلجوقی ساخت گنبدهای شمالی و جنوبی

تاریخ تمدن ویل دورانت جلد ۱۰
ترجمه فارسی صفحه ۲۴۳
نگاهی به تاریخ جهان ترجمه محمود
تفضلی جلد " صفحه ۱۰۳۸۰

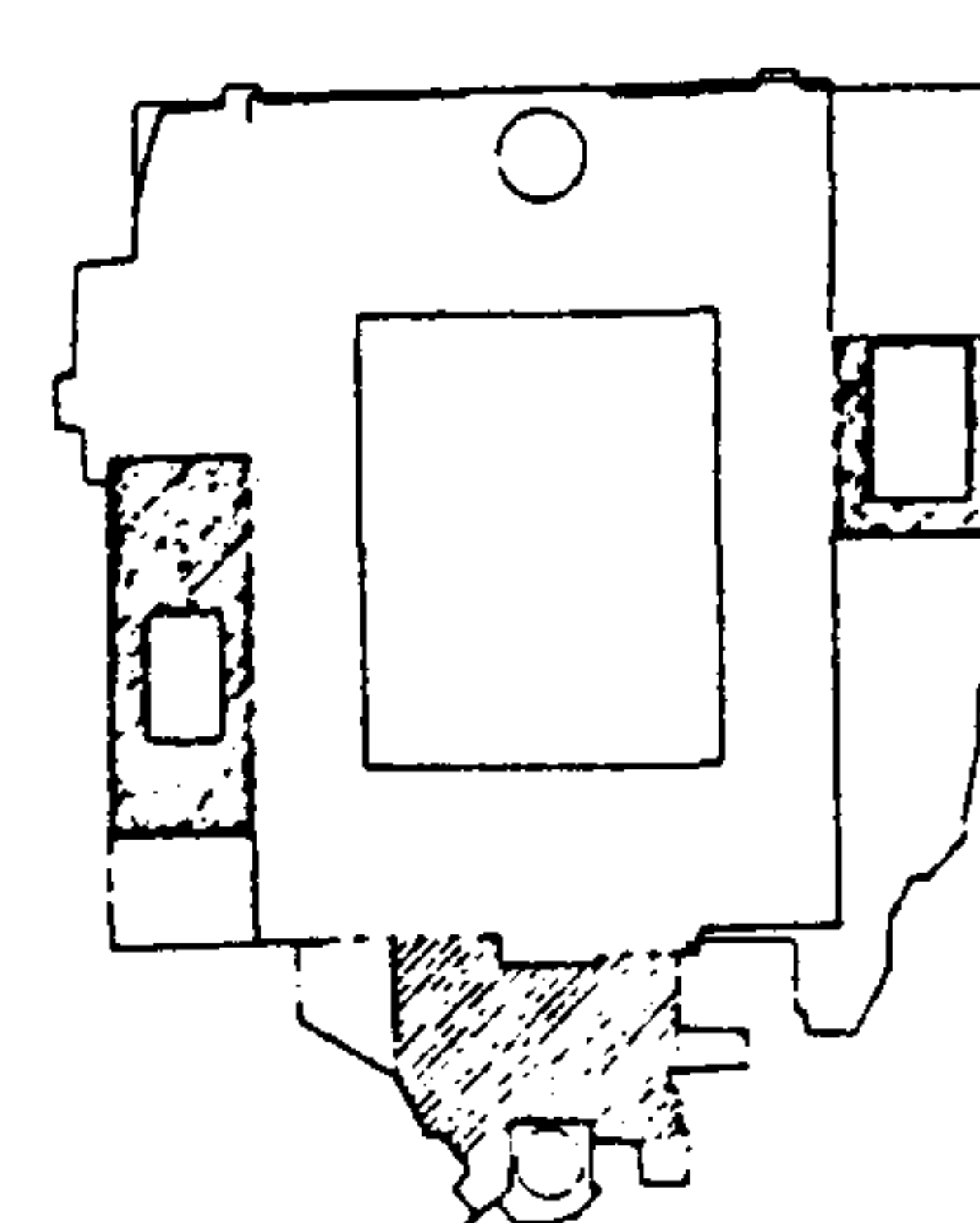
- منابع مورد مطالعه و استفاده
- خدمات متقابل اسلام و ایران استاد شهید مرتضی مطهری
- ایران از نظر خاورشناسان ترجمه دکتر رضازاده شفق
- نگاهی به تاریخ جهان ترجمه جواهر لعل نهرو ترجمه محمود تفضلی
- تمدن ایران بقلم جمعی از خاور شناسان ترجمه دکتر عیسی بهنام
- ایران در عهد ساسانیان کریستین سن
- تاریخ تمدن ویل دورانت جلد ۱۰
- عالی قاپو ترجمه عبدالله جبل عاملی
- مسجد جمعه اصفهان ترجمه عبدالله جبل عاملی
- مجله ایران معماری و معماران در تخت جمشید



کرکی شماره هشت ملحقات دوره صفوی



کرکی شماره هفت تغییرات و الحاقات دوره تیموری



کرکی شماره شش الحاقات اواخر دوره ایلخانی و مظفری (احداث مدرسه مظفری)